

# سازمان مسعود

انسان‌شناسی سازمان مجاهدین خلق

(دوره بعد از انقلاب ۵۷)

محسن زال

[zallmohsen55@gmail.com](mailto:zallmohsen55@gmail.com)

## فهرست

۱۳	.....	دیاچه
۱۶	.....	روش
۲۵	.....	پیشینه
۳۸	.....	مرحله کردستان عراق
۴۱	.....	کنترل نیروها
۴۵	.....	روند
۵۳	.....	منش
۵۹	.....	کنترل تشکیلاتی
۶۹	.....	انقلاب ایدئولوژیک
۸۴	.....	پرویز یعقوبی
۹۱	.....	نشست علی زرکش
۹۶	.....	فردیت زدایی و عملیات جاری
۱۰۱	.....	پروژه خوانی
۱۰۶	.....	رییس جمهور مقاومت
۱۱۱	.....	تمرد
۱۱۴	.....	دستگیری ها

۲۲۷	برنامه غذایی
۲۲۸	حیات دینی
۲۳۰	نماز
۲۳۲	روزه
۲۳۲	تراشیدن ریش
۲۳۳	نذر و روضه
۲۳۵	زیارت
۲۳۵	شخصیت مذهبی و امام زمان
۲۴۳	رابطه زن و مرد
۲۴۸	آرایش و پیرایش زنان
۲۴۹	آواز
۲۵۱	نشست
۲۵۴	قانون
۲۵۶	رهبری
۲۶۰	مقرها
۲۶۳	طلاق
۲۶۵	ازدواج نمادین - رابطه واقعی
۲۷۱	رقص رهایی
۲۸۴	معراج جمعی
۲۸۷	بیرون آوردن رحم
۲۹۰	نشست ها
۲۹۰	نشست غسل
۲۹۹	نشست حوض کوثر
۳۰۱	نشست دیگ
۳۰۳	نشست طعمه

۱۳۰	زندان و شکنجه
۱۴۰	اتهامات
۱۴۶	حذف درون سازمانی
۱۴۹	منابع مالی
۱۵۲	شورای ملی مقاومت
۱۵۴	عملیات در عراق
۱۵۷	فروغ جاویدان
۱۶۲	اخباری
۱۶۶	طلاق عمومی
۱۷۹	خانواده
۱۸۷	بچه ها
۱۹۱	سرنوشت بچه ها
۱۹۴	آموزش کودکان
۱۹۶	تشکیل ارتش آزادیبخش ملی ایران
۲۰۰	ساختار سازمان مجاهدین
۲۰۴	شورای رهبری
۲۰۹	آنچه که یک سرباز دارد (زندگی)
۲۰۹	لباس
۲۱۰	مرخصی
۲۱۱	تحصیلات
۲۱۱	وسایل تزئینی
۲۱۲	روابط خصوصی
۲۱۵	تفریح
۲۲۲	ارتباطات
۲۲۶	مالکیت

## گاه‌نما

ورود به فاز مسلحانه .....	(خرداد ۱۳۶۰)
تشکیل شورای ملی مقاومت .....	(تیر ۱۳۶۰)
خروج مسعود از کشور .....	(مرداد ۱۳۶۰)
ورود نیروها به کردستان عراق .....	(پاییز ۱۳۶۱)
جدایی سازمان از ابوالحسن بنی‌صدر .....	(فروردین ۱۳۶۳)
اخراج پرویز یعقوبی .....	(تیر ۱۳۶۳)
شروع انقلاب ایدئولوژیک .....	(بهمن ۱۳۶۳)
ازدواج مسعود و مریم .....	(خرداد ۱۳۶۴)
محاکمه علی زرکش .....	(آذر ۱۳۶۴)
ورود مسعود به عراق .....	(خرداد ۱۳۶۵)
شکل‌گیری اشرف .....	(بعد از ورود مسعود ۱۳۶۵)
عملیات فروغ جاویدان .....	(مرداد ۱۳۶۷)
طلاق عمومی .....	(از سال ۱۳۶۸)
ترویج ایده امام‌زمان .....	(از سال ۱۳۶۸)
جدایی بچه‌ها .....	(از نیمه دوم ۱۳۶۹)
رقص محلی در مقر رهبری .....	(از سال ۱۳۷۰)
تشکیل شورای رهبری .....	(مرداد ۱۳۷۲)
ریاست جمهوری مریم .....	(شهریور ۱۳۷۲)
ممنوعیت مطلق خروج از سازمان .....	(از سال ۱۳۷۳)
دستگیری‌های وسیع درون سازمانی .....	(از سال ۱۳۷۳)
بازگشت مریم از فرانسه .....	(آذر ۱۳۷۵)
آغاز رقص رهایی .....	(حد اقل از سال ۱۳۷۶)
سقوط صدام .....	(فروردین ۱۳۸۲)

نشست پرچم .....	۳۰۸
فرآیند جذب نیرو در دهه هفتاد .....	۳۱۲
سرنگونی صدام .....	۳۲۱
شیوه مبارزه .....	۳۴۰
سخن آخر .....	۳۵۱
اصطلاحات .....	۳۶۱
منابع .....	۳۷۳
نمایه .....	۳۷۷

### پیشینه

سازمان مجاهدین بعد از سال پنجاه و چهار حضوری در بیرون از زندان ندارد، زندان نیز چون اعدام، بسیاری نیروهای درون زندان را از سازمان حذف می‌کند و میدان را به نیروهای بیرون وامی‌گذارد، بسیاری از رهبران یا اعدام می‌شوند و یا حبس‌هایی طولانی می‌گیرند، و از این‌رو چشم‌انداز رهایی و برگشت به مبارزه نیز در خصوص کسانی چون مسعود وجود ندارد، بنابراین تشکیلات بیرون زندان رابطه بسیار شکننده با داخل دارد و عملاً در تصمیم‌گیری‌ها، "داخل زندان" به حساب نمی‌آید.

کودتای پنجاه و چهار سازمان را در اختیار گروه تقی شهرام قرار می‌دهد، و درنهایت نیز سازمان مارکسیست شده به پیکار تغییر نام می‌دهد، بنابراین سازمان مجاهدین فقط درون زندان وجود دارد آن هم نه به عنوان یک تشکیلات بلکه به منزله تعدادی مجاهد که می‌توانند دوباره به هم پیوندند، اما عملاً "زندانی" هستند، هرچند در ذهن هنوز خود را چریک بدانند. بعد از انقلاب و خروج نیروهای داخل زندان تشکیلات دوباره از نو ایجاد می‌شود، در حالی که فقط ذهنیتی از سازمان مجاهدین به صورت ایده وجود دارد و عملاً سازمانی در میان نیست. بعد از تشکیل مجدد، سازمان مجاهدین در سال پنجاه و هفت و بعد از انقلاب حدود دویست و پنجاه عضو دارد (جمالی/۱).

بعد از انقلاب گروه‌های مختلف چریکی پرسشی حیاتی و اساسی را در برابر خویش می‌بینند که پاسخ بدان آینده آنان را رقم خواهد زد. آنها با این چالش مواجهند که چه نوع رابطه‌ای بایست با نظام حاکم برقرار کنند. چون تصور ابتدایی آنها این است که حکومت، حکومتی مترقی نیست که بتوان با آن راه آمده و در نهایت تعاملی سازنده داشت. پاسخ بدین پرسش است که باعث می‌گردد گروه‌هایی چون فداییان اقلیت و حزب دموکرات و کوموله دست به سلاح ببرند.

در ابتدا سازمان مجاهدین از معدود جریان‌هایی است که با مشی مسلحانه در آن بازه زمانی که انقلاب تازه به پیروزی رسیده و تثبیت نگردیده مخالف است و مدعی است که این عمل چپ روانه و زودرس است و برای رسیدن به تصمیم نهایی بایست تأمل بیشتری نمود. با همین مشی است که سازمان به باقی گروه‌های مسلح توصیه می‌کند با خویشتنداری بیشتری رفتار کنند. این وضعیت کم و بیش تا سی خرداد شصت ادامه دارد. در آنجا رهبری سازمان به این نتیجه می‌رسد که تعامل، خواسته‌های تشکیلاتی آنها را برآورده نمی‌کند و فقط سرنگونی نظام مستقر است که می‌تواند آب رفته را به جوی برگرداند.

در این برهه که قدرت مسعود رجوی تثبیت شده و عملاً تصمیمات اساسی توسط وی اتخاذ می‌گردد. وی تصمیم به مبارزه مسلحانه می‌گیرد. برای ورود به فاز نظامی در دفتر سیاسی با حضور اعضا از جمله ابریشم چی و عباس داوری و موسی خیابانی و علی زرکش جلسه‌ای تشکیل می‌گردد. تنها کسی که نسبت به ورود به فاز نظامی تردید وارد می‌کند عباس داوریست، بقیه اعضا به دلیل سنگینی هزینه این تصمیم مسوولیت آن را به مسعود واگذار می‌کنند و وی با تأکید بر جبری بودن نبرد، تصمیم ورود به فاز مسلحانه را اتخاذ می‌کند.

وی با ارایه دلایلی از جمله رد صلاحیت خود برای ریاست جمهوری مدعی می‌شود که علی‌رغم فعالیت سازمان در چارچوب سیاسی - فرهنگی و با توجه به تلاش تشکیلات برای پرهیز از خشونت، محکومیت مستمر اعضا و هواداران سازمان از طرف دادگاه‌های انقلاب همچنان جریان داشته و سازمان از طرف نیروهای نزدیک

به حاکمیت تحت حملات مستمر و خشونت‌بار بوده است. و از این رو به راحتی مسعود به این نتیجه می‌رسد که حاکمیت فعلی به عنوان تبلور "ارتجاع" قابل مباحثات و مصالحه نیست. اما سپهری که در این میان تعیین‌کننده می‌باشد، این است که بین مجاهدین و نظام اعتماد محکمی وجود ندارد. عدم اعتمادی که از زندان بین نیروهای سیاسی مختلف ریشه گرفته و بعد از انقلاب نیز امتداد یافته است. رویدادهایی چند نیز به این بی‌اعتمادی دامن می‌زند. ماجرای سعادت و رابطه مخفی تشکیلات با روسیه نیز باعث می‌شود تعدادی از منتقدین آنها را به وابستگی متهم کنند. در فاز سیاسی یعنی فاصله انقلاب تا شروع نبرد مسلحانه بیش از پنجاه تن از اعضا و هواداران سازمان توسط نیروهای حزب‌اللهی کشته می‌شوند، خشونتی که هدفش به واکنش و داشتن حریفی است که فعلاً خویشتنداری می‌کند.

هر چند عدم اعتماد جاری دو طرفه است و سازمان نیز از پیروزی انقلاب تا شروع نبرد مسلحانه هیچ‌گاه با انقلابیون حاکم یک دله نیست. اما تا سال شصت دست به اسلحه نبرده است.

سازمان با درخواست آیت‌الله خمینی نیز حاضر نمی‌شود سلاح‌هایی که در زمان انقلاب مصادره کرده را باز پس دهد. و به این ترتیب سعی می‌کند از ابتدا توان نظامی خود را در حد متعارفی نگهدارد. و از طرفی اقدام به تشکیل ارتشی میلیشیایی (شبه نظامی) می‌کند و حتی برای قدرت‌نمایی نیز از این ارتش استفاده کرده و رژه‌هایی برای مانور قدرت برگزار می‌کند، که هر روز بیشتر و بیشتر نیز گسترش پیدا می‌کند. تشکیلات حاضر نمی‌شود نام سازمان را تغییر داده و به سمت سیاسی شدن پیش برود و به ساختار حزبی خود را نزدیک کند. نه تنها به سمت تشکیل حزب نمی‌رود که در افق تشکیل ارتش آزاد را می‌بیند که خود نشان از عدم تمایل به تغییر شاکله نظامی دارد. این مساله تا آنجا مشخص است که در جلسات خصوصی، رهبران از این افسوس می‌خورند که چرا در ابتدای انقلاب چندین پادگان را تصرف نکرده‌اند تا بتوانند از آن به عنوان ظرفی برای جذب نیرو و گسترش توان نظامی استفاده کنند. این رویکرد در شعارهای سازمان نیز برجسته